

س مدبحر العلوم (ره) به قصد تشریف به سامرا تنها براه افتاد.
 در بن راه راجع به ا بن مساله، که گر 4 بر امام حسن بن (ع) گناهان را می آموزد، فکر می کرد.
 همان وقت متوجه شد که شخص عربی که سوار بر اسب است به او رسد و سلام کرد.
 بعد پرسید: جناب س مد درباره چه چیز به فکر فرو رفته ای؟ و در چه اندیشه ای؟ اگر مساله علمی است بفرما مد شا مد
 من هم اهل باشم؟ س مد بحرالعلوم فرمود: در ا بن باره فکر می کنم که چطور می شود خدای تعالی ا بن همه ثواب به
 زائرین و گر 4 کنندگان بر حضرت س مدالشهداء (ع) می دهد، مثلاً در هر قدمی که در راه زارت برمی دارد، ثواب
 یک حج و یک عمره در نامه عملش نوشته می شود و برای یک قطره اشک تمام گناهان صغره و کبریه اش آموزد
 می شود؟ آن سوار عرب فرمود: تعجب نکن! من برای شما مثالی می آورم تا مشکل حل شود.
 سلطانی به همراه دربار ان خود به شکار می رفت.
 در شکارگاه از همراهانش دور افتاد و به سختی فوق العاده ای افتاد و بسار گرسنه شد.
 خمه ای را دید و وارد آن شد.
 در آن سه ماه چادر، پر رزنی را با پسرش دید.
 آنان در گوشه خمه غمناک ای داشتند (بزشده) و از راه مصرفش را بن بز، زندگی خود را می گرداندند.
 وقتی سلطان وارد شد، او را نشناختند، ولی به خاطر پذیرایی از مهمان، آن بز را سربرده و کباب کردند، زراچ ز
 دگری برای پذیرایی نداشتند.
 سلطان شب را همان جا خوابید و روز بعد، از ایشان جدا شد و به هر طوری که بود خود را به دربار ان رساند و جران
 را برای اطراف ان نقل کرد.
 در نهایت از ایشان سؤال کرد: اگر بخواهم پاداش همان نوازی پرزن و فرزندش را داده باشم، چه عملی با مد انجام
 بدهم؟ یکی از حضار گفت: به او صد گوسفند بده مد.
 دیگری که از وزراء بود، گفت: صد گوسفند و صد اشرفی بده مد.
 یکی دیگر گفت: فلان مزرعه را به ایشان بده مد.
 سلطان گفت: هر چه بدهم کم است، زرا اگر سلطنت و تاج و تخت را هم بدهم آن وقت مقابله به مثل کرده ام.
 چون آنها هر چه را که داشتند به من دادند.
 من هم با مد هر چه را که دارم به ایشان بدهم تا سر به سر شود.
 بعد سوار عرب به س مد فرمود: حالا جناب بحرالعلوم، حضرت س مدالشهداء (ع) هر چه از مال و منال و اهل و عیال و
 پسر و برادر و دختر و خواهر و سر و پیکر داشت همه را در راه خدا داد پس اگر خداوند به زائرین و گر 4 کنندگان
 آن همه اجر و ثواب بدهد، نبامد تعجب نمود، چون خدا که خدایش را نمی تواند به س مدالشهداء (ع) بدهد، پس هر
 کاری که می تواند، انجام می دهد، یعنی با صرف نظر از مقامات عالی خودش، به زوار و گر 4 کنندگان آن حضرت،
 درجانی عنایت می کند.
 در این حال ایشانها را جزای کامل برای فداکاری آن حضرت نمی داند.
 چون شخص عرب ان مطالب را فرمود، از نظر س مدبحر العلوم غامب شد کمال الدین ج 1، ص 119، س 11